

ادامه از صفحه اول

## مدیریت بحران زلزله تهران در ۳ محور

البته در دو دهه ابتدایی سده بیست‌ویکم، با مرور بر ادبیات علمی و فنی در جهان می‌توان دریافت که برای مدیریت کاهش ریسک و مدیریت بحران رویکردهایی متفاوت به کار می‌رود که انتظار اثربخش‌تربودن از آنها هست؛ این رویکرد جدید حاوی فراخواندن شهروندان و سیاست‌گذاران و مدیران به اقداماتی برای افزایش ایمنی، کاهش تلفات و اطمینان از بازسازی سریع و بهتر و تاب‌آوری بالا در برابر زلزله و سانحه بزرگ بعدی است. این نوع مدیریت کاهش ریسک در چند محور هدایت می‌شود:

۱- توسعه فرهنگ آمادگی- هر واحد اجتماعی (خانواده، اداره، سازمان و محل کسب) به شناسایی ریسک محل زندگی، کسب، سازمانه‌های حمل‌ونقل و تأسیسات زیربنایی مورد استفاده بپردازد و اقداماتی را که می‌تواند برای محافظت از خود انجام دهد، تعیین کند. هر واحد اجتماعی برای حداقل سه سه روز یا ۷۲ ساعت پس از یک سانحه امکاناتی برای استفاده –بدون نیاز به دیگران و به‌صورت خودکفا- داشته باشد. هر واحد اجتماعی فعالیت‌هایی انجام دهد تا افراد و گروه‌های آسیب‌پذیر مانند بیماران، افراد مسن و… در معرض کمترین میزان آسیب‌پذیری احتمالی در زلزله بعدی قرار گیرند. هر واحد خصوصی یا دولتی منطقه پیرامون خود را با کمک متخصصان زلزله و سوانح شناسایی کرده و افراد منطقه خود را برای پاسخ اضطراری و امداد در یک زلزله بزرگ آماده کند. برنامه‌های مشترک بین چند سازمان در سطح منطقه، آموزش، تمرینات و مانور و ارزیابی مداوم هماهنگی و تلاش مستمر برای درک جمعی از ریسک زلزله به این منظور کمک می‌کند.

۲- سرمایه‌گذاری در کاهش خسارت‌های مورد انتظار: صاحبان ساختمان‌ها، دولت‌ها و کسب‌وکارهای خصوصی برای بهسازی و مقاوم‌سازی، نوسازی و بازسازی ساختمان‌های آسیب‌پذیر در برابر یک زلزله بزرگ در جهت کاهش ریسک زلزله اقدام کنند. سازمان‌های دولتی و شرکت‌های خصوصی روی تاب‌آوری سازمانی خود کار کنند تا آگاهی و اطمینان از ادامه فعالیت -حداقل بخش‌هایی از آنها- بعد از زلزله حاصل شود. لازم است کلیه امکانات واکنش اضطراری بهسازی و مقاوم‌سازی یا نوسازی شود. ایستگاه‌های آتش‌نشانی و پلیس، مراکز ارتباطی اضطراری، امکانات پزشکی، مدارس، پناهگاه‌ها و سایر امکانات امدادی جامعه از این دسته است. سازمان‌ها بر اساس اولویت، زیرساخت‌های آسیب‌پذیر را بهسازی و مقاوم‌سازی کنند. ارتباطات تلفن همراه، فرودگاه‌ها، بندرها، جاده‌ها و پل‌ها، سدها، آب و فاضلاب و منابع انرژی از زیرساخت‌های حیاتی هستند. تداوم فعالیت این بخش‌ها پس از زلزله در تاب‌آوری کل جامعه ارزش حیاتی دارد.

۳- افزایش تاب‌آوری و تضمین بازسازی بهتر: سازمان‌ها با مشورت با متخصصان معماری، شهرسازی زلزله و ساختمان برای اسکان اضطراری، کوتا‌مدت و بلندمدت و بازسازی بهتر، برای اسکان و بازسازی پلانی پیشگیرانه داشته باشند. بازسازی بهتر، عبارت است از تأمین شرایط جامع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی در جریان بازسازی، علاوه بر ساخت خانه و سرپناه. اهمیت چنین پلانی در شهرهای بزرگ مانند تهران فوق‌العاده حیاتی است. برای ساکنان آواره‌شده، ساختمان‌های غیرقابل سکونت و اختلالات گسترده اقتصادی و زیرساختی به دنبال زلزله بزرگ، برنامه‌ریزی تفصیلی و کارآمد و تمرین برای اجرای چنین برنامه‌ای ضروری است. هر واحد اجتماعی هزینه‌های تعمیر و بازبایی پس از یک زلزله بزرگ را برآورد کرده و برای مدیریت چنین هزینه‌هایی برنامه‌ریزی کنند. سازمان‌های دولتی و شرکت‌های خصوصی، صنعت بیمه و صنایع برای تأمین بودجه برای کمک به اقتصاد فردی و جمعی در پی یک زلزله بزرگ همکاری کنند. پیش‌بینی منابع برای بازسازی در این مرحله انجام می‌شود. بر پایه آنچه امروزه ما از ریسک زلزله می‌دانیم و نحوه برنامه‌ریزی محلی و اجرای آیین‌نامه و مقررات ساختمانی، رعایت موارد فوق می‌تواند به‌تدریج به کاهش ریسک زلزله کمک کند. بدیهی است که هنوز منطقه‌ای از تهران و کشور به‌عنوان منطقه نمونه برای زلزله بزرگ بعدی به میزان کافی و به‌صورت نمادین آماده نیست. البته پیامدهای اجتماعی و اقتصادی می‌تواند طولانی‌مدت و مخرب باشد. تاب‌آوری جامعه، به‌ویژه در شهرهای بزرگی مانند شهر تهران هنگامی قابل تأمین است که بتوانیم به حداقل‌های محوره‌های ذکرشده در فوق، با اولویت‌دادن به کیفیت نیروی انسانی که برای اجرای چنین برنامه‌هایی به کار می‌بریم، دست یابیم.

✦ **استاد پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله**

شرق: در هفته گذشته با رد کلیات لایحه بودجه، رد کلیات طرح شفافیت آرای نمایندگان از سوی نمایندگان مجلسی و رد طرح اصلاح قانون انتخابات از سوی شورای نگهبان، شاهد ردشدن محاصل مهم‌ترین تصمیمات بهارستانی‌ها بوده‌ایم؛ البته این تصمیمات از همان ابتدا محکوم به شکست بودند، اما نمایندگان بر مواضع خود اصرار داشتند و در نهایت فقط وقت و هزینه‌ای بسیار هدر رفت و بهارستان‌نشینان دم‌لمشغولی‌ای از این بابت نداشتند. این در حالی است که مجلس یازدهم خود را انقلابی‌ترین مجلس می‌داند و با شروع به کار خود، در بیانیه‌ای اقتصاد و فرهنگ را مهم‌ترین اولویت‌های کشور و مجلس اعلام کرد که حتی این دو حوزه نیز در کنار سایر حوزه‌ها مغفول مانده است. در همین حال، نمایندگان مردم با سروصدا و حاشیه بسیار، جز حمله به دولت تاکنون اقدامی عملی در راستای انجام وظایف خود به‌خصوص در باب قانون‌گذاری نداشتند‌اند و جز بازی سیاسی

و حمله نافرجام به دولت، دستاوردی به دست نیاوردند؛ زیرا از یک سو بهارستانی‌ها به دنبال صندلی یاستور برای رئیسشان هستند و از سوی دیگر، با اصول اولیه قانون‌نویسی ناآشنا هستند و حتی در طرح‌هایی که با شور و شوق به حمایت از آنها پرداخته‌اند نیز خبری از ادبیات مرسوم حقوقی نیست. البته برخی از نمایندگان نیز بر این عملکرد سیاسی و انتخاباتی مجلس نقد دارند و در همین راستا، «محمدتقی نقدعلی» خطاب به رئیس مجلس گفته است: آقای قالیباف، این روزها گفته می‌شود که قرار است شما نامزد ریاست‌جمهوری شوید و برخی از اقدامات به‌ویژه بحث شفافیت ابزاری برای انتخابات ریاست‌جمهوری است که این در خیال می‌کردند». محمدرضا باهنر، نماینده ادوار مجلس نیز درباره عملکرد مجلس یازدهم به ایرنا گفته است: «اصلا بیشتر وقت مجالس در چند ماه اول صرف تشکیل ساختارهای آن می‌شود و نباید از مجلس خیلی توقع داشت که کار اساسی

چوب‌خط مردودی‌های مجلس یازدهم پر شده‌است !؟

## وقتی بهارستان‌نشینان در سودای یاستور هستند

ندادند که وقتی از آنها سؤال کردم این لایحه دولت بود یا گزارش کمیسیون تلفیق، اختلاف‌نظر داشتند و نمی‌دانستند به چه رای داده‌اند و چرا آن را رد کرده‌اند؟در همین رابطه، چندی‌پیش حمید ابوطالبی، مشاور رئیس‌جمهور، در تویییتی با انتقاد از تلاش‌های انجام‌شده برای تغییر ساختار مجلس شورای اسلامی نوشت: «اولویت نخست و اصلی‌ترین دلیل تشکیل مجلس، قانون‌گذاری است و نظارت، وفق قانون اساسی مختص سازمان بازرسی کل کشور در قوه قضائیه است. یک بار دیگر قانون اساسی را بخوانید، شاید راه را اشتباه آمده باشید. تبدیل مجلس قانون‌گذاری به مجلس آباد یا خراب‌شود. بالا‌خره یک سری عوامل محیطی و امکانات وجود دارد. نماینده بلند می‌شود به یک وزیر توهمین می‌کند؛ او فکر می‌کند شجاعت یعنی اینکه به یک مسئول بدویراه بگویید. خود حضرت آقا هم متذکر شدند این اقدامات انقلابی‌گری نیست.

**ادامه در صفحه ۳**

گفت‌وگو بابابک امیرخسروی به بهانه زادروز احسان طبری

# رابطه طبری و کیانوری در ظاهر دوستی بود و در باطن دشمنی

کاش طبری مانند هدایت صرفا در کنار حزب توده می‌ماند



✦ **اولین و آخرین دیدار شما با طبری چه زمانی و کجا بود؟**

آخرین دیدار ما با طبری دو، سه هفته پیش از خروج از ایران بود. از آنجا که قصد داشتم برای درمان قلبم که رگ‌های آن بسته بود و سخت آرام می‌داد، به اروپا بروم، برای دیدار و خداحافظی به منزله‌ش رفتم. آن روزها طبری همراه با همسرش در منزل خانم بی‌ناز، خواهر آذرخانم زندگی می‌کرد. تا وارد حیاط شدم، دیدم آذرخانم با چشمان‌اشک‌آلود و چهره غم‌گرفته منظر من است. همین که وارد شدم مرا در آغوش کشید و با صدای لرزان گفت که احسان بیمار است و به غذا لب نمی‌زند؛ اگر به این وضعیت ادامه دهد، حتما حالش بدتر می‌شود. مصرانه از من خواست که با او صحبت کنم و از او بخواهم مواظب سلامتی‌اش باشم. پیش او رفتم. در طبقه بالا روی تخت دراز کشیده بود. تا چشمش به من افتاد، تبسمی بر لبانش نقش بست و با صدای ضعیفی گفت: بابک‌جان تویی؟ ظرف غذایش کنار تخت دست‌نخورده بود. پرسیدم چرا غذا نمی‌خوری؟ آذرخانم سخت نگران است. چشمانش پر از اشک شد و گفت خسته شده‌ام. من دیگر کار خودم را کرده‌ام. حالا وقت دیگران است. وقت آن است که بمیرم! سخ‌ تا‌آرام بود، سعی کردم با زبان مبارزه او را نرم کنم و فکتم؛ حزب و جنبش هیچ‌گاه مثل امروز به وجود تو و نقشی که می‌توانی ایفا کنی، نماندند نبوده‌است و تو هرگز نباید در این شرایط میدان را خالی کنی. خلاصه با کالی زحمت و مکافات بالا‌خره کمی غذا به او خورداندم و پس از روبوسی از او جدا شدم و دیگر هرگز ندیدمش.

✦ **حرف‌وحديث‌های زیادی درباره ارتباط حزب توده با اتحاد شوروی و سازمان امنیت آن (ک.ا.گ.) وجود دارد. آیا احسان طبری هم با آنها ارتباط و همکاری داشت؟**

هرگز و به‌هیچ‌وجه! بی‌گمان طبری با برخی از محافل علمی و فرهنگی کشورهای سوسیالیستی تماس و همکاری داشت؛ اما قطعا با افراد و دستگاه‌های امنیتی کمترین ارتباطی نداشت. به‌طورکلی باید یادآور شوم که در حزب و حتی در رهبری آن، کسانی که با مقامات شوروی رابطه ویژه داشتند، انگشت‌شمار بودند. دلبستگی توده‌های به شوروی و پیروی آنها از «اردگاه سوسیالیسم»، برخاسته از تعلقات ایدئولوژیک آنها و برداشت نادرست‌شان از اصل ارتناسیونالیسم پوتلینزی بود که در آن روزها کمپاین تمام احزاب کارگری و کمونیستی به آن پایبند بودند.

✦ **آیا درست است که احسان طبری به برخی از جوانب جهان‌بینی مارکسیسم-لنینیسم انتقادات جدی داشت اما به خاطر مصالح حزب و سازمان امنیت می‌کرد و ترجیح می‌داد خاموش بماند؟**

احسان طبری بی‌گمان به سازوکار «سوسیالیسم واقعا موجود» انتقاداتی داشت؛ ولی طی سال‌ها زندگی در کشورهای سوسیالیستی از نزدیک نارسایی‌ها و تباهی‌ها را دیده بود و گاهی در جمع‌های خصوصی به طنز و شوخی به نارسایی‌های آشکار طعنه می‌زد. اما به نظر من او همیشه به مبانی نظری مارکسیسم-لنینیسم ایمان داشت و در اصول آن تردیدی روا نداشت. مقاله‌ها و نوشته‌های بی‌شمار باقی‌مانده از طبری گواه آن هستند که او در سراسر عمر به مارکسیسم-لنینیسم، یا به عبارت دقیق‌تر به «کمونیسم روسی» باور داشت و وظیفه‌های بالاتر از ترویج و تبلیغ بنیادهای نظری آن برای خود نمی‌شناخت. اگر او واقعا به آن بنیادها باور نداشت، می‌توانست دست‌کم خاموش بماند، کسی او را مجبور نکرده بود هزاران صفحه در ستایش اصول مارکسیسم روسی سپاه کند.

✦ **به نظر شما طبری یک اندیشمند مارکسیست ایرانی بود یا ذوب‌شده در تراسیونالیسم شوروی؟**

احسان طبری نه این بود و نه آن. اصولا مارکسیسم یک نظام فکری و ایدئولوژیک جهان‌شمول است؛ به قول مولانا «مصر و عراق و شام» ندارد. اگر منظورن آن است که طبری را نوعی پایه‌گذار مارکسیسم ایرانی بدانیم، به این معنی که او کوشیده‌است این سیستم فکری را با شرایط ایران سازگار کند، به همان ترتیبی که ما لنین را مؤلف مارکسیسم روسی می‌دانیم یا مانو را مؤسس مارکسیسم چینی؛ طبری چنین نیست، به گمانم، طبری حتی در حد خلیل ملکی هم نا‌آور نبود. خبری که این‌ها بل تحقیق و مطالعه بود، بسیار تیزهوش بود و حافظه‌ای شگرف داشت اما بیشتر شارح و مفسر و مبلغ بود و نه مؤلف؛ او اندیشه مارکس و انگلس و لنین را به‌خوبی فراگرفته بود و نوشته‌های متعددی در ترویج آن نگاشت، ولی فراتر نرفت. به نظر من ذهنی توانا داشت اما جساتر نظری کافی نداشت تا ذهن خود را از بندهای ایدئولوژیک رها کند.

✦ **طبری چندین کتاب شعر نیز منتشر کرده است و همچنین شماری رمان و داستان و آن نظر تدبیری او در چه سطحی بود؟ یک شاعر حزبی یا ادیبی عارف‌مسئک؟**

انجام دهد. اما یک مشکل وجود دارد و آن این است که نمایندگان متأسفانه تا قبل از انتخابات نمی‌دانند اختیارات نماینده مجلس چیست و چه کارهایی می‌توانند بکنند. بعضی‌ها فکر می‌کنند هرچه پرخاشگرتر باشند، خیلی مشهورتر می‌شوند و سر زبان‌ها می‌افتند و زمان انتخابات یک سری وعده‌های عجیب‌وغریب به مردم می‌دهند. نماینده تازه‌واردی در مجلس نهم می‌گفت که در هشت دوره گذشته هیچ کاری در مملکت نشده و هیچ اتفاقی نیفتاده است. اما او با گذشت چند ماه متوجه می‌شود که نه این خبرها هم نیست؛ این‌طور نیست که یک نماینده تصمیم بگیرد کل مملکت آباد یا خراب‌شود. بالا‌خره یک سری عوامل محیطی و امکانات وجود دارد. نماینده بلند می‌شود به یک وزیر توهمین می‌کند؛ او فکر می‌کند شجاعت یعنی اینکه به یک مسئول بدویراه بگویید. خود حضرت آقا هم متذکر شدند این اقدامات انقلابی‌گری نیست.

**ادامه در صفحه ۳**

گفت‌وگو بابابک امیرخسروی به بهانه زادروز احسان طبری

# رابطه طبری و کیانوری در ظاهر دوستی بود و در باطن دشمنی

کاش طبری مانند هدایت صرفا در کنار حزب توده می‌ماند

گاهی از برخی اشعار و قطعات ادبی طبری، بسان خواننده‌های عادی لذت برده‌ام اما در هنر و ادبیات خود را صاحب صلاحیت نمی‌دانم، پس اجازه دهید که از داوری در این موارد بپرهیزم.

✦ **آقا و کاردهای حزب چه نگاهی به طبری داشتند؟ او نیروی فعال حزبی نبود و صرفا دربخش‌های آموزشی و تبلیغاتی فعالیت داشت. رابطه کیانوری با او چگونه بود؟ چرا در دسته‌بندی‌های حزبی در جناح کیانوری قرار گرفت؟**

طبری خیلی زود مجبور به ترک ایران شد و از جمع توده‌های دور افتاد. در میان توده‌های نسل من سرشناس بود؛ اما کسی از او شناخت عمیقی نداشت. من برای اولین بار در شهریور ۱۳۳۳ در سفرم به مسکو او را ملاقات کردم و حرف‌های او را درباره مسائل آن روزی جنبش و اختلافات درون‌رهبری گوش کردم و با شنیدن نظراتش سراپا شیفته او شدم. جریان آن دیدار را به تفصیل در زندگینامه‌ام آورده‌ام. در پلنوم وسیع چهارم در تیر ۱۳۳۶ بود که کاردهای مهاجر حزب از نزدیک با طبری آشنا شدند. طبری در این پلنوم موضعی استوار و مستقل داشت و با کاردهای جوان و مبارز حزب در انتقاد از نارسایی‌های درونی هم‌زبان شد و همه را شیفته خود کرد تا آنجا که در انتخاب هیئت اجراییه که با رای مخفی کاردها برگزیده شد، به‌عنوان یکی از سه دبیر برگزیده شد. این به خواست خودش بود که مصلحت دید از دبیری کناره‌گیری کند تا ایرج اسکندری وارد دبیرخانه سه‌نفری کمیته مرکزی حزب باشد. طبری همیشه در میان کاردها برجسته بود و محبوبیتی بی‌مانند داشت. من در مقطعی به این باور رسیده بودم که او شایسته‌ترین فرد برای دبیر اولی حزب است. این فکر را با نزدیکانم در میان گذاشتم و با خود او هم بارها صحبت کردم. در یکی از پلنوم‌ها که در فرصت استراحت با هم قدم می‌زدیم، باز بر همین نظر پافشاری کردم؛ اما او برگشت و با قاطعیت گفت: «می‌دانی بابک جان، من نمی‌خواهم هرگز در حزب ویولن اول باشم. به همین ویولن دومی بودن، راضی هستم». من دیگر بگیری نکردم و اصرار را بی‌درومی رها کردم. رابطه طبری و کیانوری در ظاهر دوستی بود و در باطن دشمنی! طبری ستاره اول حزب بود و در میان حزبی‌ها از احترام و محبوبیتی بی‌مانند برخوردار بود. رهبران زیرک حزبی مانند کیانوری مایل بودند بی‌آنکه به او علاقه‌ای داشته باشند، دل او را به دست آورند و با او در یک جبهه باشند. به خاطر دارم در آستانه پلنوم هفتم که دوباره اختلافات در رهبری بالا گرفته شده بود، روزی در دیدار با کیانوری ضمن گفت‌وگو به مناسبتی با طبری ستایش کردم و گفت‌گام او فرصت می‌یافت تا رهبری حزب را به دست بگیرد. واکنش عصبی کیانوری را جلوی چشم دارم که برگشت و با لحنی خشم‌آلود گفت: «دیگر همین مانده که سرنوشت حزب را به دست طبری بسپاریم». بر خلاف آنچه معروف است، طبری در دسته‌بندی‌های حزبی، در طیف کیانوری قرار نداشت و مستقل بود؛ اما به دلیل همان وابستگی ایدئولوژیک که عرض کردم، با وجود استقلال فکری بیشتر مواقع از طیف کیانوری-کامبخش حمایت می‌کرد؛ در دست من بیشتر کاردهای مستقل که عملا از جناحی حمایت می‌کردند که خود مستقل بودند. اگر شما به مناسبات کیانوری و طبری در آستانه انقلاب بهممن و پس از آن نظر دارید، باید عرض کنم که در آن مقطع کیانوری دیگر رقیبی در رهبری حزب نداشت و کامبخش همه اعضای رهبری و کاردهای فعال از او پیروی می‌کردند.

✦ **کارهای شیدنی از احسان طبری دارید؟**

به نیست خبری شما افرادی طنزآمیز تعریف کنم تا هم به حال‌وهوای زندگی حزبی بی‌برید و هم این گفت‌وگو از حالت سیاسی صرف بیرون بیاید. پلنوم‌ها و نشست‌های حزبی همیشه با دعوا و مرافعه همراه بود؛ به گونه‌ای که همه ما چندروزی خسته و عصبی بودیم و از همه بدتر اینکه بیشتر ما آرامش روانی را از دست می‌دادیم و دچار بدخواهی می‌شدیم. در این مواقع به طبری متوسل می‌شدیم که خودش در بدخواهی مهارتی کم‌نظیر داشت! او هر شب پیش از خواب کنار آقاقتله‌ما می‌ایستاد و ما برای گرفتن قرص خواب جلوی او صف می‌بستیم. از هرکس می‌پرسید: خوب بگو ببینم چه مشکلی داری؟ دراز می‌کشی‌ای اما خوابت نمی‌برد؟ دست می‌کرد و از جیب راست کتتش قرصی درمی‌آورد و به او می‌داد: «بگیر این را یک ساعت قبل از خواب بینداز بالا!». نفر بعد جلوی می‌آمد. طبری: «مشکلت چیست؟ نصف شب بیدار می‌شوی؟». از جیب بغل کتتش قرصی درمی‌آورد و به او می‌داد: «این را همین حالا برو بالا!». نفر بعدی می‌رسید. طبری: «آها، مشکل تو این است که صبح بوی گل‌ها می‌دهد». سحر بیدار می‌شوی؟ صبر کن حالا بهت می‌رسم!». قرصی از جیب شلوارش درمی‌آورد و می‌داد به او: «بگیر، دوا ی تو همین است». خلاصه ما هم قرص‌ها را از او می‌گرفتم و خیالمان راحت بود که او، با آن حافظه بی‌نظیرش، هرگز جای قرص‌ها را فراموش نمی‌کند و به ما قرص عوضی نمی‌دهد! ما به لطف و باری ان طبری اندکی از خستگی و پزیشانی ما کاسته می‌شد.

✦ **کتاب‌هایی را که طبری در آخر عمر در نقد گذشته خود نوشت، تا چه حد معتبر می‌دانید؟**

من از تحولات ذهنی و دگرگونی فکری احتمالی طبری در آن روزها، هیچ اطلاعی ندارم. اطمینان ندارم که آنچه پس از زندان به رشته تحریر درآورده، واقعا نتیجه بازنگری آگاهانه و صادقانه در افکار و اعتقادات گذشته باشد. او در وضعیتي بس دشوار قرار گرفت که هرگز نمی‌تواند محملی برای یک بازنگری ژرف و اندیشورانه باشد.

## خبر

معاون اول رئیس‌جمهور:

### محدودیتی برای تأمین منابع خرید واکسن کرونا نداریم

● اسحاق جهانگیری، در مراسم افتتاح بیمارستان اسلام‌آباد غرب، با اشاره به اقدامات انجام‌شده برای خرید واکسن گفت: «به ما گفتند واکسن فلان کشور با قیمت هر دوز ۲۵ دلار با بیشتر است، رئیس‌جمهور دستور داد و بانک مرکز اعلام کرد که منابعی را تأمین می‌کنیم». وی افزود: «با وجود همه فشارهای اقتصادی، محدودیتی برای تأمین منابع مورد نیاز خرید واکسن کرونا نداریم. البته در یک مقطع طولانی آمریکایی‌ها مزاحمت‌هایی ایجاد کردند و اجازه نمی‌دادند پول خرید واکسن جابه‌جا شود که به محض اینکه توانستیم راه‌های دیگری پیدا و مزاحمت آنها را بی‌اثر کنیم، این پول منتقل شد. به همین دلیل ممکن است مقداری نوبت ما بین خریداران واکسن عقب افتاده باشد».

وی گفت: «در روزهای آینده با ورود واکسن‌های خریداری‌شده معتبری که مورد تأیید وزارت بهداشت است، کار واکسیناسیون شروع می‌شود؛ ضمن اینکه خوشبختانه با تکیه بر توان دانشمندان ایرانی، در چند گروه مختلف کار ساخت واکسن داخلی به نقاط بسیار خوبی رسیده و در آینده نه‌چندان دور، واکسن داخلی هم خواهد آمد». جهانگیری با بیان اینکه وزارت بهداشت در زمینه مقابله با کرونا کارنامه درخشانی دارد، گفت: «مردم نیز با رعایت پروتکل‌های بهداشتی به کنترل این بیماری کمک بسیاری کردند و امیدواریم تداوم داشته باشد».

او با بیان اینکه مراجع، علما و صاحب‌نظران نیز در موضوع مقابله با کرونا درخشدند، گفت: «این افراد با دعوت مردم به رعایت پروتکل‌های بهداشتی نشان دادند موضوع سلامت مردم، از منظر اسلام بسیار مهم است». وی افزود: «مقام معظم رهبری هم عزاداری‌های ماه محرم را یک‌نفره برگزار می‌کردند و با این کار این مهم را منتقل کردند که موضوع سلامت در این زمان بر همه مسائل دیگر اولویت دارد». او در بخش دیگر سخنانش، به زلزله بزرگ سال ۱۳۹۶ استان کرمانشاه اشاره کرد و گفت: «وسعت این زلزله و حجم تخریب آن بسیار بالا بود و در این موضوع آنچه دردناک بود، تخریب ساختمان‌های نوساز مسکونی و بدتر از آن دولتی بود که همان زمان تأکید کرد اگر کسانی خیانت کرده و ساختمانی ساخته‌اند که در برابر زلزله مقاوم نبوده، باید با آنها برخورد شود». او همچنین گفت: «در زلزله بزرگ کرمانشاه، بیش از صد هزار واحد مسکونی تخریب شد یا آسیب دید، اما امروز دیگر تقریبا ساختمانی نیست که بر اثر این زلزله تخریب یا آسیب دیده و ساخته نشده باشد». جهانگیری افزود: «این حجم از کار در حالی است که در نوروز ۱۳۹۸ نیز سیل بیش از ۲۵ استان کشور را درگیر کرد و بیش از صد هزار واحد مسکونی هم در این حادثه خسارت دید که این واحدها هم ساخته شده است». او با بیان اینکه امیدواریم رضایتمندی مردم زلزله‌زده استان کرمانشاه فراهم شده باشد، گفت: «در جریان بازسازی زلزله، مردم و خیرین هم به‌خوبی پای کار آمدند که جای تقدیر دارد».

**کدخدایی مطرح کرد**

### انتخاب اعضای هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری

● عباسعلی کدخدایی، سخنگوی شورای نگهبان، در حساب کاربری خود در توییتر نوشت: «در جلسه چهارشنبه هفته گذشته، اعضای هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات سیزدهمین دوره ریاست جمهوری به شرح ذیل انتخاب شده و مراتب به وزارت کشور اعلام گردید: آقایان احمد جنتی، احمد خاتمی، سعید محمد، رحیم، محمدحسن صادقی‌مقدم، محسن حسینی‌زاده‌ای، عباس کعبی و عباسعلی کدخدایی.»

**مجیدانصاری:**

### تهمت و تحقیر، چاشنی اغلب برنامه‌های صداوسیماست

● **جماران**، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام با توجه به سخنان اخیر مقام معظم رهبری گفت: «به نظر می‌رسد مخاطب اصلی سخنان رهبری، صاحبان تریبون‌های عمومی و مسئولانی هستند که به این تریبون‌ها دسترسی دارند. این تریبون‌ها باید مرجع اخلاق و مهربانی باشند؛ مانند مجلس شورای اسلامی، از آنجا که مذاکرات نمایندگان به‌طور مستقیم از تریبون مجلس در سراسر کشور پخش می‌شود، باید بسیار سنجیده باشند. اینکه نمایندگان بدون محاسبه و تألیف مناسب به رهبری استر زیرا ترسان این سازمان را یاد می‌کنند و این‌ها رساله همه ملت ایران باشد و تألیف مناسب به رهبری استر زیرا ترسان این سازمان و ایشان تعیین می‌کنند، طبعاً باید در آن زبان فاخر و زبان ادب سکه رایج باشد؛ درحالی‌که به تکرار دیده می‌شود که در آن نه‌تنها این اصل رعایت نمی‌شود، بلکه به‌شدت به اشخاص و جریانات سیاسی توهین می‌شود و تهمت و تحقیر، چاشنی اغلب برنامه‌های صداوسیماست.»